

اندیشه‌ها و راهبردهای امام علی (ع) در تحقق اقتصاد مقاومتی

رضا تاج آبادی،^{۲۶} سمیه شعبانی^{۲۷}

چکیده

در بررسی و تحلیل برنامه‌ها و سیاستهای اقتصادی حضرت علی (ع)، یک جنبه از سخنان ایشان، اشاره به رفتار مسئولین، کارگزاران و نقش محوری آنها در اقتصاد دارد و به مواردی همچون عدالت اجتماعی، ساده‌زیستی و زهد، پرهیز از رشوه، حساسیت به بیت‌المال و پرهیز از قوم‌گرایی و ... تأکید دارد. در بخش دیگری از بیانات امام (ع) می‌توان نقش اساسی مردم به‌عنوان دومین رکن تحقق اقتصاد بر مبنای ارزشهای الهی را نظاره کرد. سفارش ایشان به کار و تلاش، احسان و نیکی، قناعت و زهد، پرهیز از اسراف و تبذیر از اصلی‌ترین سفارشات حضرت (ع) در این زمینه می‌باشد. الگوی اقتصادی دوران کوتاه حکومت امام علی (ع) مصداق جامع و الگویی ماندگار از نظام اقتصادی اسلام است که با اصلاحات اقتصادی در سطوح و دامنه وسیع، تغییر و تحولات عظیمی را در جامعه پدید

1. کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی و منابع طبیعی استان مرکزی (نویسنده مسئول)؛ tajabadireza@yahoo.com

2. کارشناس ارشد حقوق عمومی

آورد و جلوه عدالت آن تا سالیان متمادی جامعه را دگرگون ساخت. فقرزدایی، قطع روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تولید، بسامانی اقتصادی و بهره‌وری، عمران و آبادانی، جلوگیری از احتکار و تعدی اقتصادی و مجازات محترکان و متعدیان، اصلاح الگوی مصرف، زهد و قناعت، نظارت و کنترل بر بازار و امر تجارت، به‌عنوان راهبردها و زمینه‌های تحقق اقتصاد مقاومتی بیان گردیده است که در نوشتار حاضر بدانها پرداخته می‌شود.

کلیدواژگان: عدالت اقتصادی، توسعه اقتصاد، بازار اسلامی، اقتصاد مقاومتی، امام

علی (ع)، نهج البلاغه

مقدمه

حضرت علی (ع) در نهج البلاغه که منشور حکمت و حیات و مشحون از اسرار و معارف ربانی و حکمی، فلسفی، تاریخی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی و راهگشای زمانه است، بر سه اصل فرهنگ، عدالت و آزادی در اقتصاد تأکید داشتند و از نظر ایشان، جلب اعتماد مردم و شفاف‌سازی مسائل، راهکار تداوم حرکت در مسیر موفقیت اقتصادی است.

توجه مقام معظم رهبری به «اقتصاد مقاومتی» ضرورت پرداختن به این موضوع را در نوشتار حاضر نشان می‌دهد. از یک طرف دشمنان ملت ایران تلاش دارند تا نسبت به درهم ریختگی اقتصاد ایران اقدام کنند و از ناحیه اقتصاد، ضرباتی را به ما وارد سازند و از طرف دیگر، مقاومت در اقتصاد، راهبردی مؤثر و کارآمدی برای عبور از این مرحله است. از این‌رو پرداختن به موضوع «اقتصاد مقاومتی» ضروری می‌نماید. لذا بررسی اقتصاد مقاومتی در اندیشه‌های امام علی (ع) و نهج البلاغه که خود بخش مهمی از آموزه‌های دینی ما را شامل

می‌شود، از اهمیت و ضرورت انکار ناپذیری برخوردار است. نوشتار حاضر در پی یافتن پاسخ این سؤال است که آیا در سخنان گهربار امام علی(ع)، مواردی در تأیید راهبرد اقتصاد مقاومتی وجود دارد؟ به عبارتی، آیا میتوان مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی را از بیانات امام علی (ع) استخراج نمود و به کار بست؟

سیاستهای اقتصاد مقاومتی در کلام امام علی (ع)

سیاست اقتصادی در اسلام و به ویژه در اندیشه امام علی (ع) بر مبنای عدالت است؛ هدفی که باید به آن دست یافت. در واقع پذیرش خلافت از سوی ایشان، به منظور برقراری عدالت در ابعاد مختلف آن از جمله عدالت اقتصادی بود. عدالت اقتصادی جز با از بین رفتن فقر در جامعه و رسیدن هر صاحب حقی به حق خودش، تحقق نمی‌یابد (محمدی صیفار، 1393: 227).

امام علی (ع) در عبارتی، هدف کلی خود را از حکومت، برپایی عدالت می‌داند و می‌فرماید: «اکنون هر ذلیل ستم دیده‌ای نزد من عزیز و ارجمند است تا حقش را بگیرم و به او دهم و هر نیرومند سرکش نزد من ناتوان و حقیر است که حق ستم دیدگان را از او بستانم» (نهج البلاغه، خطبه 37).

سخنان امام علی (ع) نشان می‌دهد که تاراج بیت‌المال، توزیع ناعادلانه آن، فاصله شدید طبقاتی، اسراف، اجحاف، اختلاس و... در حکومت پیشین عیان بوده و خلفای پیشین از روش و سنت رسول خدا (ص) فاصله گرفته و جامعه را دچار بحران کرده بودند و سرانجام همین بحران‌ها، موجب شورش عده‌ای بر ضد خلیفه سوم و کشتن او شد (محمدی صیفار، 1393: 228).

پس از شناسایی کجروی‌ها در نظام اقتصادی، اصلاح آن به برنامه‌ریزی نیازمند است. از دیدگاه امام علی (ع) در برنامه‌ریزی، باید نخست به نظام و ارتباط بخش‌های گوناگون، نگاه کلان و کلی داشت و سپس به هر بخش به صورت جداگانه خرد و جزئی

نگریست. در جامعه فشرهای گوناگونی وجود دارد که با هم در ارتباطند و به یکدیگر وابسته‌اند. اصلاح بخشی از جامعه مانند اصلاح اقتصادی در بخش‌ها و اجزای دیگر جامعه تأثیر می‌گذارد. بنابراین، سیاستگذاری کلان، مستلزم در نظر گرفتن تمام اجزاء و تأثیرات آنهاست (همان، 229). اصلاح در هر جزء، روشی ویژه دارد که از اجزاء دیگر متفاوت است. آنجا که حضرت (ع) کار ویژه هر یک از اقشار و وظایف حاکم و زمامدار را بیان می‌کند، ناظر به همان معنایی است که گفته شد.

سیاستهای اقتصادی امام علی (ع) برای تحقق اهداف اقتصادی، راهکارهایی را برنامه‌ریزی کرد که برخی از آنها در دوران حکومت ایشان به مرحله اجرا گذاشته شد و پاره‌ای نیز در برنامه کارگزاران حکومت قرار گرفت. ابزارهای ایشان در یک تقسیم‌بندی کلی شامل رهنمودهای اخلاقی-معنوی، ابزارهای کیفی و ابزارهای کمی می‌شود. رهنمودهای اخلاقی - معنوی، مهمترین ابزار سیاستهای اقتصادی دولت علوی را تشکیل می‌داد. این ابزار هر چند پایه و اساس قانونی به خود نگرفت، ریشه در اعتقادات مردمی داشت که بیش از سه دهه از دوره پیامبر (ص) فاصله نگرفته بودند و هنوز تحول عظیم اعتقادی و اخلاقی از ذهن آنان محو نشده بود. بنابراین فرهنگ‌سازی، احیای مجدد اخلاقیات و اعتقادات و مبارزه با کج‌اندیشی‌ها و کج‌رویها، محور سیاستگذاری امام علی (ع) بوده است. اندیشه اقتصادی نزد امام (ع) بر پایه مسئولیت‌پذیری استوار بوده و ایشان خود را در برابر فقرا و مستمندان مسئول می‌دید تا غبار تنگدستی را از چهره آنان بزدايد. اصل تلاش و کوشش بر پایه مسئولیت استوار است و از ارکان هر اقتصادی به‌شمار می‌رود. امام (ع) با بیان اهمیت کار در فرهنگ اسلامی، مردم را به کار و تلاش، بیشتر ترغیب می‌کردند (افشار، 1390: 245).

حکومت علوی از ریشه و بنیان برای ایجاد اصلاحات در جامعه اسلامی پدید آمد و از این‌رو به اصلاحات همه‌جانبه به ویژه در بعد اقتصادی می‌اندیشید و آن را سر لوحه اهداف و برنامه‌های خود قرار داد. اهم برنامه‌های اصلاحی حکومت علوی را در این زمینه

می‌توان در پنج اقدام اصلی و بنیادین، به عنوان سرفصل کلی برنامه‌های اقتصادی ایشان ارائه نمود که عبارتند از: 1) رفع تبعیض در تقسیم بیت‌المال، 2) برگرداندن دارایی‌های عمومی به تاراج رفتگان، 3) جلوگیری از پیدایش ثروت‌های انبوه نامشروع، 4) تلاش در راه عمران و آبادانی زمین، 5) تأمین اجتماعی محرومان و ازکارافتادگان. از این پنج برنامه، سه برنامه اول، جنبه سلبی داشت که موانع راه را برای فقرزدایی و توسعه رفاه عمومی هموار می‌نمود و دو برنامه اخیر دارای جنبه اثباتی بود که برای رفع محرومیت و از میان برداشتن شکاف عمیق طبقاتی به اجرا گذاشته شد (همان، 262).

اهداف سیاستهای اقتصادی دولت علوی را می‌توان با توجه به تعریف دولت و مبانی تشکیل آن و همچنین وظایف دولت، به دو دسته غایی و مبانی تقسیم کرد. سیاستهای اقتصادی نیز تدابیر و اقدامات ابزاری هستند که برای رسیدن به این اهداف اتخاذ می‌شوند (همان، 244). امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «پروردگارا! تو می‌دانی که آنچه ما کردیم نه برای این بود که ملک و سلطنتی به چنگ آوریم و نه برای اینکه از متاع پست دنیا چیزی بیاندوزیم بلکه به خاطر آن بود که نشانه‌های از بین رفته دینت را بازگردانیم و اصلاح را در شهرهای آشکار سازیم تا بندگان ستم‌دیده‌ات، امان یابند و قوانین و مقرراتی که به دست فراموشی سپرده شده بود، بار دیگر عملی گردد» (نهج البلاغه، خطبه 131).

1- فقرزدایی

حضرت علی (ع) زشت‌ترین، گزنده‌ترین و تباه‌کننده‌ترین پدیده اجتماعی را فقر می‌دانست و جامعه فرو رفته در فقر را جامعه‌ای زنده نمی‌دید و از اینرو هشدار می‌داد: «الفقر الموت الاکبر؛ فقر مرگ بزرگتر است» (همان، حکمت 163). مردن و از دنیا رفتن در برابر سختی و رنجی که فقر بر فرد و جامعه تحمیل می‌کند ناچیز است؛ زیرا فقر هر روز و هر ساعت

آدمی را می‌کشد و پیامدهایی را بر او و زندگی و روابط و مناسباتش بار می‌سازد که با هیچ چیز قابل مقایسه نیست (دلشاد تهرانی، 1394: 1012). بر این اساس است که در هشدارهای امام علی (ع) تندترین تعبیرها درباره فقر آمده، چنانکه فقر است.

امیرمؤمنان علی (ع) با چنین نگاهی به فقر، بر آن بود که فقر را به تمام معنا از جامعه بزدايد و در دعای خود نیز از فقر به خدا پناه می‌برد: «اللهم انی اعوذ بک ان افتقر فی غناک؛ خدایا به تو پناه می‌برم از اینکه فقیر شوم در بی‌نیازی تو» (نهج البلاغه، دعای 215). حضرت (ع) تلاش می‌کرد تا همگان دریابند که فقر تا چه اندازه تباه‌کننده است و لازم است برای زدودن آن تلاشی اساسی صورت گیرد. ایشان در آموزه‌های خود به فرزندش حضرت مجتبی (ع) فرموده است: «فنعوذ بالله من الفقر؛ از فقر به خدا پناه می‌بریم» (شعیری، 1382: 106).

خداوند به انسانها امکانات کمی نبخشیده است تا در فقر زیست کنند، بلکه این مناسبات ستمگرانه و بی‌تدبیرها و مدیریتهای بد است که موجب پیدایش فقر و حاکم شدن ناداری و کمبود بر جوامع می‌گردد؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «بدانید زمینی که شما را بر پشت خود می‌برد و آسمانی که بر شما سایه می‌گسترده، پروردگار شما را فرمانبردارند و برکت آن دو بر شما نه از راه دلسوزی است و نه به خاطر جستن نزدیکی و نه به امید خبری است که از شما دارند بلکه به سود شما مأمور شده‌اند و گردن نهاده‌اند و برای مصلحت شما برایشان داشتند و ایستادند. خدا، بندگان خود را به کیفر کارهای زشت و نادرست آنان، مبتلا سازد به کاهش میوه درختان و به ناباریدن باران و بستن گنجینه‌های خیر به روی ایشان» (نهج البلاغه، خطبه 143). همچنین می‌فرماید: «سوء التدبیر مفتاح الفقر؛ بی‌تدبیری و بدی مدیریت، کلید فقر است» (خوانساری، 1360: 132/4).

حقیقت آن است که فقر و ناداری انسان را در تنگناهای گوناگون قرار می‌دهد و وجوه مختلف حیات معقول و انسانی او را تهدید می‌کند. حضرت (ع) به فرزند خود

محمد حنفیه درباره تنگدستی و پیامدهای مصیبت‌بار آن چنین فرموده است: «پسرم! همانا از تنگدستی بر تو بیمناکم، پس از آن به خدا پناه ببر که تنگدستی دین را زیان دارد و خرد را سرگردان کند و دشمنی پدید آورد» (نهج البلاغه، حکمت 319).

پیامدهای تباه‌کننده تنگدستی محدود به یک وجه خاص از تربیت نمی‌شود بلکه کمبود و ناداری موجب افول در دینداری می‌گردد؛ زیرا اندیشه‌ی شخص مشغول تنگدستی می‌شود و نیرو و توان لازم برای عبودیت درست و عبادت بانشاط را از دست می‌دهد. همچنین فرد دچار سردرگمی و آشفتگی می‌گردد و در مرتبه‌ای نازل گرفتار می‌شود و در مناسبات و روابط اجتماعی خود نیز آسیب می‌بیند و به کینه و دشمنی کشیده می‌شود (دلشاد تهرانی، 1379: 101).

نظام عالم و قانونمندی حاکم بر هستی چنان است که در نتیجه بی‌تدبیری، مدیریت نابکارانه، ستمکاری، پیدایش گروه‌ها و طبقات زیاده‌خواه و استثمارگر در کنار گروه‌ها و طبقات محروم و نادار و ستم اقتصادی رو به افزایش است؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «ما جاع فقیر الا بما منع به غنی؛ هیچ فقیری گرسنه نمانده است مگر بدان علت که توانگری حق او را به وی نداده است» (نهج البلاغه، حکمت 328).

چنین مناسباتی بزرگترین تجاوز به انسان و انسانیت و چنین فقری سخت‌ترین مجازات برای مردم است؛ چنانکه در حکمت‌های روایت شده از حضرت (ع) آمده است: «ما ضرب الله العباد بسوط اوجع من الفقر؛ خداوند بندگان را به سبب بی‌تدبیری و ستمگریشان با تازیانه‌ای دردآورتر از فقر زده است» (ابن ابی الحدید، 1393: 20 / 301).

امام علی (ع) فقر را این‌گونه ویرانگر می‌دید و همتش بر آن بود که این پدیده خانمانسوز را براندازد. در دیوان منسوب به آن حضرت (ع) ابیاتی آمده که به خوبی حکایتگر این نگاه حضرت (ع) است:

بلوت صروف الھر ستین حجه

وجربت حالیه من العسر و الیسر

فلم ار بعد الدین خیرا من الغنی

و لم ار بعد الکفر شرا من الفقر

(بیهقی نیشابوری کدری، 1373: 262)

می‌فرماید شصت سال دگرگونی‌های روزگار را آزمودم و هم حالت تنگنایش را تجربه کردم و هم حال آسانی‌اش را. پس از دین، چیزی را بهتر از توانگری نیافتم و پس از کفر، چیزی را بدتر از فقر ندیدم.

فقر مالی از دیدگاه امام علی (ع)، امری نامطلوب و تخریب‌کننده فکر و عقل و همچنین دین و شخصیت انسانها است. از دیدگاه ایشان در ارتباط با فقر و فقرزدایی چند عامل مؤثر می‌باشد و لذا وظایف متفاوتی برای اقشار و نهادهای مختلف جامعه در راستای رفع فقر در نظر گرفته‌اند که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

الف) وظایف فقرا: امام (ع) فقرا را به کار و تلاش و کوشش فراوان، حتی اگر منجر به دور شدن از محل زندگی ایشان شود، دعوت کرده و می‌فرماید: در غربت و دوری از وطن خجالتی نیست. خجالت این است که در وطن باشی و فقیر باشی (آمدی، 1378: 57). از دیدگاه ایشان کسی که با داشتن ابزار اولیه چون آب و خاک، به دلیل تنبلی یا بیکاری و کم‌کاری به فقر مبتلا شود، خود مسئول فقیر بودن خویش است و خود را از رحمت گسترده الهی بی‌نصیب خواهد کرد؛ ایشان می‌فرماید: هر کس آب و خاکی بیابد و باز هم فقیر باشد، خدا او را از رحمت خود دور می‌کند (رشاد، 1385: 230).

ب) وظایف اغنیا: از دیدگاه امام (ع)، اغنیا و ثروتمندان در جامعه اسلامی وظایف و تکالیفی برای مقابله با فقر و فقرزدایی دارند. آنان باید ثروت خود را به جریان بیندازند و زمینه استفاده دیگران را نیز فراهم نمایند. ضمناً میانه‌روی در صرف مال، تواضع و

سودرسانی و عدم دلبستگی به مال و ثروت از جمله توصیه‌های امام (ع) به اغنیا است؛ چنانکه می‌فرماید: مؤمن در حالی که برادر دینی او گرسنه است، سیر نمی‌خورد (همان، 182) یا می‌فرماید: با میانه‌روی، اسراف را کنار بگذار و امروز به فکر فردا باش و از مال به میزان ضرورت و نیاز نگهدار (همان، 521).

ج) وظایف دولت: امام (ع) یکی از عوامل بروز فقر در جامعه را دولتهای فاسد و ستمکار می‌داند که با زور اموال مردم را غصب کرده و در اختیار نزدیکان خود قرار می‌دهند؛ ایشان می‌فرماید: خرابی هر سرزمین نتیجه فقر مردم آن است و فقر مردم نتیجه حریص بودن والیان بر جمع مال می‌باشد (همان، 216). بنابراین، از دیدگاه آن حضرت (ع) وجود دولت سالم و باتقوا در جامعه اسلامی، یکی از ارکان مقابله با فقر می‌باشد.

2- قطع روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی

عدالت اقتصادی بدون قطع روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی راه به جایی نمی‌برد و تا زمانی که ریشه‌های ستم اقتصادی و تجاوزگری و چپاول اقتصادی بریده نشود، مبارزه با فقر معنا نمی‌یابد و فقر زدوده نمی‌گردد. بر این اساس بود که امیرمؤمنان علی (ع) از نخستین روز به دست گرفتن حکومت به قطع روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی همت گماشت و فرمان داد دارایی‌های عمومی به غارت رفته را به بیت المال بازگردانند، سرانه بیت المال را به مساوات تقسیم کرد و کارگزاران فاسدی را که دارایی‌هایی را از آن خود می‌دانستند و نابکارانه عمل می‌کردند عزل نمود. اینها نخستین اقدامات امام علی (ع) در برقراری عدالت اقتصادی بود و همین اقدامات، موجبات مخالفت و مقابله بیشتر با حکومت او را فراهم ساخت (دلشاد تهرانی، 1394: 1015). ابن ابی‌الحدید معتزلی از قول کلبی روایت کرده است که چون حضرت (ع) حکومت را به دست گرفت و اصلاحاتی اساسی را آغاز کرد و این کار را با بازگرداندن دارایی‌های به غارت رفته آغاز نمود، خبر

کارهای او به عمر و بن عاص رسید که در آن زمان در سرزمین ایله از مناطق شام بود و به هنگام هجوم مردم بر عثمان، بدانجا رفته بود.

وی نامه‌ای به معاویه نگاشت و او را چنین آگاه ساخت: «هرچه می‌خواهی، انجام بده که فرزند ابوطالب تو را از ثروتهایت جدا سازد، آن‌گونه که پوست عصا را از آن جدا کنند» (ابن ابی الحدید، 1393: 1/270).

حضرت علی (ع) به هیچ کس اجازه نمی‌داد که به روابط و مناسبات ستمگرانه اقتصادی خود ادامه دهند. در ابتدای حکومت خویش در نامه‌ای به اشعث بن قیس، استاندار آذربایجان که در زمان عثمان بدانجا منصوب شده بود، نوشت: «بی‌گمان مسئولیت و کارگزاریت برایت طعمه‌ای نیست، بلکه امانتی است بر گردنت ... در دست تو مالی از اموال خدا (اموال عمومی) ست و تو آن را خزانه‌داری» (نهج البلاغه، نامه 5).

امام علی (ع) زمینه‌های ستم اقتصادی را بست و هر جا راهی در این جهت گشوده شد، به سرعت و با شدت آن را مسدود ساخت و در این باره هیچ ملاحظه‌ای جز ملاحظه حق و عدالت نمی‌کرد، چنانکه به محض رسیدن گزارشی از تعدی اقتصادی کارگزاری، امام (ع) بلافاصله آن را ریشه کن می‌ساخت تا ستم اقتصادی پا نگیرد، که با پا گرفتن آن، عدالت اقتصادی و فقر زدایی بی‌معنا می‌شود. نامه امام (ع) به زیاد بن ابیه، جانشین عبدالله بن عباس، گویای حساسیت وی در جلوگیری از پیدایش هر گونه خیانت و حتی غفلت و سهل‌انگاری مالی کارگزاران، یاران و فرماندارانش است (جعفری، 1381: 4/153).

«و همانا من به خدا سوگند می‌خورم، سوگندی راست، که اگر به من گزارش رسد که تو در غنیمت مسلمانان و دارایی عمومی آنان، چیزی اندک یا بسیار، خیانت کرده‌ای، بی‌گمان چنان بر تو سخت بگیرم که آن سختگیری تو را تهیدست و سنگین بار و خوار در کار کند، بدرود» (نهج البلاغه، نامه 20).

امام علی (ع) در رویارویی با هر گونه ستم اقتصادی، اندک یا بسیار، سخت حساس بود و از هیچ نوع آن گذشت نمی‌نمود؛ زیرا به خوبی می‌دانست تا ریشه‌های ستم اقتصادی از جانب هر فرد و گروهی زده نشود، عدالت اقتصادی پا نمی‌گیرد و فقر زدوده نمی‌شود؛ چنانکه در نامه‌ای به زیاد بن ابیه، هنگام مسئولیتش بر خراج بصره، یادآور شده است (جعفری، 1381: 4/158).

پس با پیش گرفتن میانه‌روی، گزاف‌کاری و گزاف‌خرجی را واگذار و امروز، فزونی را برای روز نیازت پیش فرست. آیا امید داری که خداوند پاداش فروتنان را به تو ببخشد، حال آنکه تو نزد او از گردن‌فرازان باشی؟ و چشم می‌داری که پاداش بخشندگان راستین را یابی، در حالی که در ناز و نعمت غلتانی و دریغ داری که آن را به بیچاره ناتوان و بیوه زنی برسانی؟ بدان که آدمی پاداش یابد بدانچه کرده است و درآید بدانچه از پیش فرستاده است» (نهج البلاغه، نامه 21).

همچنین شدت عمل امام (ع) در جلوگیری از ستم اقتصادی عبدالله بن عباس که بخشی از بیت‌المال را به عنوان حق خود برداشته بود، نشان‌دهنده رویه ایشان در این عرصه است: «پس از ستایش و سپاس پروردگار و درود بر پیامبر بزرگوار، چیزی از تو به من گزارش رسیده است که اگر آن را انجام داده باشی، پروردگارت را به خشم آورده‌ای و از فرمان پیشوایت سر پیچیده‌ای و امانتداری خود را به خواری کشانده‌ای.... به من گزارش رسیده که تو زمین را از عایدات آن خالی گذاشته‌ای و آنچه پایت بدان رسیده برای خود نگاه داشته‌ای و هر چه زیر دستانت بوده خورده‌ای. پس حساب کارهایت را به من باز پس ده و بدان که حسابرسی خدا از حسابرسی مردم بسی بزرگتر است» (همان، نامه 40).

چون ابن عباس در بازگرداندن دارایی‌ها بهانه‌جویی پیشه کرد، امام (ع) او را سخت تهدید کرد تا اینکه ابن عباس از ستم اقتصادی خود بازگشت و کار را اصلاح نمود. امام (ع) در نامه تهدیدآمیز خود به ابن عباس آورده بود: «پس از خدا پروا دار و دارایی‌های

این مردم را به ایشان بازگردان و اگر نکنی و خدا مرا یاری دهد تا بر تو دست یابم، کيفريت دهم که نزد خدا عذرخواه من گردد و به شمشيريت بزنم که کس را بدان نزد من جز که به آتش درآمد» (همان، نامه 41).

امام علی (ع) نه فقط در مواردی این چنین با شدت رفتار می کرد که از کمترین ستم اقتصادی گذشت نمی نمود و اجازه نمی داد حقوق اقتصادی مردم زیر پا گذاشته شود و ناروایی اقتصادی هر چند اندکی رسم گردد. تا این گونه با هر نوع ستم اقتصادی مقابله نگردد و جلوی آن به جد گرفته نشود، نمی توان انتظار داشت عدالت اقتصادی استوار گردد (دلشاد تهرانی، 1394: 1020).

3- سرمایه گذاری و تولید

راه بردن به عدالت اقتصادی، بدون سرمایه گذاری و تولید، ناممکن است. تا سرمایه ها و ثروت های عمومی و خصوصی به درستی در چرخه اقتصادی قرار نگیرند و موجب افزایش دارایی ها و بهره مندی های همگانی نگردند راه تحقق عدالت اقتصادی هموار نمی شود. امیرمؤمنان (ع) بر سرمایه گذاری و تولید اهتمام داشت و در این راه بسیار تلاش نمود. ابن ابی الحدید معتزلی در این باره چنین روایت کرده است: «او با داستان خود کار می کرد و همواره زمین را کشت و آبیاری می نمود و نخل می کاشت و تمام این کارها را شخصاً انجام می داد و چیزی از دستاوردش را کم یا زیاد، برای خود یا بازماندگانش نگذاشت، بلکه همه آنها وقف شد» (ابن ابی الحدید، 1393: 147/15).

امام علی (ع) با کار فراوان به تولید و سرمایه گذاری پرداخت و با کمترین بهره مندی شخصی، بیشترین سودرسانی اجتماعی را سامان داد تا راه عدالت اقتصادی را به سهم خود هموار سازد؛ از امام صادق (ع) آمده است: «همانا امیرالمؤمنان (ع) در حالی که بارهایی از هسته خرما همراهش بود می رفت. به وی گفته شد که این باری که همراهت است چیست؟

گفت: اگر خدا بخواهد درخت خرما، پس آن هسته‌ها را کاشت و حتی یک هسته را هم وانهاد» (کلینی، 1388: 75/5).

نمونه برجسته سرمایه‌گذاری و تولید امام علی (ع) مزرعه ینبع است؛ مزرعه‌ای در 165 کیلومتری غرب مدینه، در ساحل دریای سرخ که به دلیل وجود چشمه‌ها و چاه‌های فراوان که آنها را حدود 170 یاد کرده‌اند، بدین نام خوانده شده است. امیرمؤمنان (ع) آنجا را آباد کرد و مزرعه‌ای بزرگ با این چشمه‌ها و چاه‌ها بپا ساخت و آن را وقف نموده بود تا زمینه‌ساز عدالت اقتصادی باشد (دلشاد تهرانی، 1394: 1022).

تأکید امام (ع) بر سرمایه‌گذاری و تولید چنان بود که در وقف‌نامه‌ای که پس از بازگشت از صفین نگاشته با سرپرستان و کارگزاران املاک خود شرط کرده است درختان را نه ببرند و نه بفروشند و اصول آنها باقی بماند و بار و بر آنها را چنانکه فرمان داده و راهنمایی کرده به مستحقان ببخشند و نیز نهال‌هایی را که برای تکثیر به کار می‌رود، به فروش نرسانند، بلکه پاجوش‌ها و نهال‌ها را در همان زمین‌ها بکارند تا روز به روز و سال به سال آن باغ‌ها گسترده‌تر شود و محصول و میوه آن به مستحقان بیشتری برسد (جعفری، 1381: 187/4). سفارش امام (ع) چنین است: «با کسی که این کار را بدو واگذار کرده، شرط می‌کند که اصل مال را به حال خود نهد و از میوه آن انفاق کند؛ چنانکه بدو فرمان داده و راهنمایی شده است و اینکه پاجوش‌ها و نهال‌های تازه خرما بنان این قریه‌ها را نفروشد تا آنجا که زمین باغستان‌هایش با درخت تازه کاشته شده‌اش انبوه شود، به‌گونه‌ای که شناخت آن برای بیننده دشوار گردد» (نهج البلاغه، نامه 24).

حضرت (ع) همواره کارگزاران خود را نیز به فراهم کردن زمینه سرمایه‌گذاری و تولید سفارش می‌کرد و بر این امر تأکید می‌نمود که مبادا از جانب آنان ستمی بر تولیدکنندگان و چرخه اقتصادی برود (دلشاد تهرانی، 1394: 1024)؛ چنانکه در عهد

نامه مالک اشتر فرموده است: «در کار خراج بررسی کن و چنان بنگر که کار خراج- گزاران را به سامان رساند، زیرا به سر و سامان رسیدن کار خراج و خراج گزاران، به سر و سامان رسیدن دیگران است و کار دیگران به سر و سامان نمی رسد مگر بوسیله خراج گزاران، برای اینکه مردمان همگی روزی خوارانی هستند بار شده بر خرج و خراج گزاران» (نهج البلاغه، نامه 53).

امکان تأمین همگانی و زمینه عدالت اقتصادی با سرمایه گذاری و تولید فراهم می شود و جامعه ای که نتواند این امکان را فراهم سازد محکوم به زیستن در سایه فقر خواهد بود. امام (ع) چنان این امر را مهم و اساسی می دانست که فرموده است: «هر که آب و خاکی بیابد و تنگدست شود، خداوند او را از رحمت خویش دور سازد» (مجلسی، 1403ق: 103/65). مردمی که نتوانند به درستی سرمایه ها را به کار اندازند و چرخه تولید را فعال کنند، از رحمت خدا به دورند و تازیانه فقر پیوسته آنان را می نوازد. از نظر امام علی (ع) پذیرفته نیست که کمترین امکانات تولید و کسب درآمد باشد و باز هم فقر و ناداری دیده شود و چنین چیزی مایه ننگ دولتها و مردم است. از قول محمد بن خالد ضبی نقل شده است که ابراهیم نخعی بر زنی که او را ام بکر می خواندند، گذشت که صبحگاه بر در خانه اش نشسته بود و در دستش دوکی بود که با آن ریسندگی می کرد. ابراهیم گفت: ای ام بکر! دیگر پیر شده ای. آیا وقت آن نرسیده است که دوک را بر زمین بگذاری؟ ام بکر گفت: چگونه آن را بر زمین بگذارم که شنیدم علی بن ابیطالب، پیشوای مؤمنان می فرمود: ریسندگی از گواراترین کسب و کارهاست (دلشاد تهرانی، 1394: 1025). زمانی که روحیه کار و تولید و سرمایه گذاری در جامعه حاکم گردد، تکیه گاهی استواری برای تأمین همگانی و عدالت اقتصادی شکل می یابد.

4- سامان‌یابی اقتصادی و بهره‌وری

لازمه تأمین مالی همگانی و فراهم شدن عدالت اقتصادی، بسامانی روابط و مناسبات اقتصادی و بهره‌وری درست از همه امکانات اقتصادی است. با وجود نابسامانی اقتصادی، به دلایل اقتصادی و غیراقتصادی و نبود بهره‌وری درست، عدالت اقتصادی زمینه تحقق نمی‌یابد؛ زیرا جامعه و دولت نابسامان، منشأ آشفتگی و بی‌نظمی و خودکامگی و ویژه‌خواری و مایه انواع ستم و بی‌عدالتی اقتصادی است و با وجود چنین شرایطی فقط ستمگران بهره‌مند می‌شوند و تأمین همگانی و عدالت اقتصادی امکان ظهور نمی‌یابد (همانجا).

امیرالمؤمنان (ع) در عهدنامه مالک اشتر چنین هشدار می‌دهد: «و ویرانی زمین تنها از تنگدستی دارندگان زمین پیش می‌آید و دارندگان زمین تنها و تنها با روی نهادن فرمانداران به گرد آوردن دارایی برای خویش و بدگمانیشان به ماندگاری در کار و کمی سود جستن از گذر آموزیها است که تنگدست می‌شوند» (نهج البلاغه، نامه 53).

نابسامانی دولت و ملت و وجود روابط و مناسبات ستمگرانه، اجازه تأمین همگانی و تحقق عدالت اقتصادی را نمی‌دهد؛ چراکه این دو غیر قابل جمعند؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «آنگاه که حکمران ستم ورزد، آبادانی پدید نخواهد آمد» (خوانساری، 1360: 6/404).

جامعه‌ای می‌تواند راه رسیدن به عدالت اقتصادی را طی کند که از نیروی انسانی، امکانات، دارایی‌ها و تجهیزات خود حداکثر سود ممکن را با بهره‌گیری و استفاده بهینه در جهت رفاه عمومی به دست آورد. امام (ع) در عهدنامه مالک اشتر، اهتمام به مطلوبها را که موجب بهره‌وری در امور است، چنین بیان نموده است: «و باید از کارها آن را بیشتر دوست بداری که در جهت حق از همه کارها میان‌تر باشد و در جهت عدالت همگانی تر و در جهت خشنودی شهروندان فراگیرتر» (نهج البلاغه، نامه 53).

معتدل‌ترین سیاستهای اقتصادی که بیش از همه عدالت را فراگیر سازد و بیشترین خشنودی شهروندان را فراهم نماید، می‌تواند بهره‌وری را تا اندازه ممکن بالا ببرد. اقتصاد بسامان، بستر بهره‌وری عدالت‌گرایانه است و حکومت و دولت و سازمان موفق آن است که بتواند به اوج بهره‌وری دست یابد؛ چنانکه امیرمومنان (ع) در عهدنامه مالک اشتر، پس از ارائه مجموعه‌ای از مبانی، اصول، روشها، سیاستها و اخلاق مدیریتی، حاصل دریافت درست و عمل به آنها را موفقیتی با بهره‌وری تمام معرفی کرده و می‌فرماید: «من به وسیله رحمت گسترده و توانمندی بزرگ خدا بر دادن هر خواسته‌ای، از درگاهش می‌خواهم که من و تو را به کاری توفیق دهد که خشنودی او در آن است و آن بر پا داشتن عذر آشکار به درگاه او و به پیشگاه آفریدگانش است، همراه با نیک‌ستایی و نام نیک در میان بندگان و اثر زیبا و برازنده در سرزمین‌ها و تمام شدن نعمت و چند برابر کردن کرامت» (همانجا). با تحقق یافتن این امور، بسامانی و موفقیت و بهره‌وری کامل فراهم شده و در عرصه اقتصادی بیشترین نتیجه حاصل می‌گردد.

5- عمران و آبادانی

عدالت اقتصادی به شدت در گرو عمران و آبادانی است و بدون این جهت‌گیری و اهتمام بر آن نمی‌توان پایه‌های عدالت اقتصادی را استوار ساخت. امام علی (ع) در آغاز عهدنامه مالک اشتر بدین موضوع توجه داده و می‌فرماید: «این آیین‌نامه‌ای است از بنده خدا، حضرت علی امیر مؤمنان، به مالک اشتر پسر حارث، در پیمان‌نامه خویش با او، هنگامی که وی را سرپرست مصر نمود. به منظور گرد آوردن مالیاتها و پیکار کردن با دشمنان آنجا و بسامان رسانیدن مردمان و آباد کردن شهرهای آن» (همانجا).

بدون عمران و آبادی و آثار زیبا و برازنده در کشور و به تعبیر امام (ع) «جمیل الاثر فی البلاد» (همانجا) نمی‌توان بستر لازم برای عدالت اقتصادی را فراهم کرد. از منظر امیرالمؤمنین (ع)، عمران و آبادی، وظیفه‌ای انسانی است که هیچ کس نباید از آن شانه

خالی کند چراکه سلامت و سربلندی زندگی تابع آن است؛ در حدیثی از ایشان آمده است: به‌درستی که گذران زندگی مردمان در پنج امر است: حکمرانی، آبادانی، تجارت، اجاره و مالیاتها ... اما توجیه و راهنمای آبادانی، این سخن خداوند است: «او شما را از زمین پدید آورد و از شما آبادانی آن را خواست» (هود/ 61). این آیه به ما می‌فهماند که خدای سبحان، بندگان را به آبادانی زمین فرمان داده تا گذران زندگی شود با آنچه از زمین می‌روید از دانه‌ها، میوه‌ها و مانند آن از چیزهایی که خداوند، سبب گذران زندگی بندگان قرار داده است (مجلسی، 1403ق: 47/93).

انسان از جانب خداوند فرمان یافته که عمران کند و آباد نماید و در این صورت است که می‌تواند انسانی زیست کند و در جهت عدالت اقتصادی گام بردارد. این امر چه در عرصه شخصی و چه در حوزه حکومتی معیار برتری و امتیاز است؛ چنانکه در آموزه‌های علی (ع) آمده است: «فضیله السلطان عماره البلدان؛ برتری و امتیاز حکمران در آبادانی شهرهاست» (خوانساری، 1360: 4/422). عمران و آبادی، سیاستی اساسی در حکومت امام علی (ع) شمرده می‌شد و ایشان آن را تکیه‌گاه استواری برای پیشرفت اقتصادی، رفاه عمومی و تحقق عدالت اقتصادی می‌دید؛ چنانکه در عهدنامه مالک اشتر فرموده است: «و بدان که باید نگرش تو در آبادانی زمین، رساتر از نگرش تو به گرفتن خراج باشد؛ زیرا خراج تنها با آبادانی است که به‌دست می‌آید و هر کس که بی‌آباد ساختنی درخواست خراج کند، سرزمین‌های کشور را به ویرانی اندازد و بندگان خدا را به نابودی کشاند و جز اندکی، کار او راست نیاید» (نهج البلاغه، نامه 53).

امام (ع) عمران و آبادی را از ارکان سیاست اقتصادی یک حکومت می‌دانست و پیگیر آن بود و اجازه کوتاهی در پاسداشت این سیاست را نمی‌داد؛ چنانکه نامه ایشان به قرطه بن کعب انصاری، کارگزار بهقبادات (نام سه منطقه در بغداد)، گویای این مطلب است: «پس از ستایش و سپاس پروردگار و درود بر پیامبر بزرگوار، همانا مردانی از ذمیان،

در قلمرو کارگزاری تو گزارش داده‌اند که نه‌ری در سرزمین آنان از میان رفته و نابود شده است و در پایداری آن نه‌ر، آبادانی سرزمین مسلمانان است. در این باره تو و آنان بنگرید، پس نه‌ر را آباد کن و سامان ده. پس به جانم سوگند که آباد کردن آنان، برای ما دلپذیرتر است از آن که بیرون روند یا تهیدست شوند یا در وظیفه آباد کردن شهرها کوتاهی ورزند. بدرود» (یعقوبی، 1389: 2/ 203). امام علی (ع) در این نامه به‌خوبی جایگاه عمران و آبادی را در سیاست حکومت خود مشخص کرده و معلوم داشته که تا چه اندازه بدان اهمیت می‌دهد. بی‌گمان جز بر این مسیر نمی‌توان راه عدالت اقتصادی را طی کرد.

حضرت (ع) در اهمیت زمین و لزوم توجه به آن، نکات مهمی را ذکر کرده و به استنادارش می‌فرماید: «باید بیش از تحصیل خراج، در اندیشه زمین باشی؛ زیرا خراج حاصل نشود مگر به آبادانی زمین و هر که خراج می‌طلبد و زمین را آباد نسازد، شهرها و مردم را هلاک کرده است و کارش استقامت نیابد مگر اندکی» (همانجا) و در اهمیت آبادانی حکومت و بلاد اسلام و تخفیف خراج در بهبود وضع کشاورزی ادامه می‌دهد: «هرگاه از سنگینی خراج یا آفت محصول یا بریدن آب و نیامدن باران یا دگرگون شدن زمین چون در آب فرو رفتن آن یا بی‌آبی، شکایت نزد تو آورند، از هزینه و رنجشان بکاه، آنقدر که امید داری کارشان را سامان دهد و کاستن از خراج بر تو گران نیاید، زیرا اندوخته‌ای شود برای آبادانی بلاد تو و زیور حکومت تو باشد» (همانجا). حضرت (ع) در این فرمان، توصیه به کم کردن خراج از کشاورزان می‌کند تا با کم شدن مالیات، آنان به کار بیشتر و تولید فراوانتر تشویق گردند و در نتیجه موجبات آبادانی حکومت را فراهم سازند.

6- جلوگیری از احتکار و تعدی اقتصادی و مجازات محترکان و متعدیان

امام (ع)، علاوه بر توجه به اصلاح و بهبود وضعیت اقتصادی و هموار کردن راههای رشد و توسعه و آبادانی جامعه، از هر عاملی که به این امر لطمه وارد سازد، جلوگیری می‌نمود (معینی‌نیا، 1385: 126). از دیدگاه ایشان نابسامانیهای اقتصادی و ستمگری مالی از سوی

گروهها، بنگاهها و سازمانهای اقتصادی به جامعه، ننگ یک دولت شمرده می‌شود و لازم است دولت با نظارت و کنترلی درست از هرگونه تعدی اقتصادی به مردم جلوگیری کند و از جمله اجازه احتکار به سودجویان و تبهکارتان اقتصادی ندهد (دلشاد تهرانی، 1392: 528)؛ پدیده‌ای که در آموزه‌های دینی از زشت‌ترین ستمهای اقتصادی شمرده شده است؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «الاحتکار رذیله؛ احتکار رذیلت است» (خوانساری، 1360: 39/1).

احتکار پدیده‌ای است که جامعه را در محرومیت و رنج قرار می‌دهد و در آموزه‌های امام علی (ع) آمده است: «الاحتکار مطیه النصب؛ احتکار مرکب رنج و بدبختی است» (کلینی، 1388: 19/8) و چنین کاری جز از نابکاران بر نمی‌آید: «الاحتکار شیمه الفجار؛ احتکار خوی نابکاران است» (خوانساری، 1360: 160/1).

با توجه به آثار تعدی‌های اقتصادی بر جامعه و از جمله احتکار، لازم است دولت بر اساس نظارت و کنترل امور، با دقت و سرعت در مقابله با تعدی‌های اقتصادی، اقدامات لازم را انجام دهد و اجازه زیان‌رسانی به مردم را ندهد؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «پس هر کس که پس از بازداشتن او، به احتکار دست یازید، مجازاتش کن و بی‌گزافه‌کاری به کیفرش رسان.»

از وظایف دولت است که به گروهها، بنگاهها و سازمانهای اقتصادی، آموزش‌های لازم را بدهد و آنها را از پیامدهای تخطی‌ها و تعدی‌های اقتصادی آگاه سازد؛ چنانکه در آموزه‌های امام (ع) آمده است: «بر امام است که بر اهل ولایت خویش، حدود اسلام و ایمان را بیاموزد» (همان، 318/4). همانا بر امام نیست جز آنچه از امر پروردگار به عهده او واگذار شده است: کوتاهی نکردن در موعظت و کوشیدن در نصیحت.

حضرت (ع) تأکید داشتند که کسانی که در حوزه اقتصاد وارد می‌شوند به نیکویی با احکام و قواعد آن آشنا باشند تا بر اساس ضوابط عمل کنند و از پیامدهای هر گونه

خلافی آگاه باشند؛ چنانکه می‌فرماید: «ای گروه بازرگانان! نخست احکام داد و ستد را بیاموزید، سپس بازرگانی، نخست احکام، سپس بازرگانی، نخست احکام، سپس بازرگانی» (کلینی، 1388: 150/5) و روایت شده است که فرموده است: «کسی که به کار داد و ستد آگاه نیست، نباید وارد بازار شود» (همان، 154/5).

هر که در هر مرتبه و جایگاهی و با هر گونه ارتباطی با دستگاههای قدرت و ثروت، دست به تعدی اقتصادی زند، لازم است مجازات گردد؛ چنانکه در عصر پیامبر اکرم (ص) کسی از اشراف پیوسته تعدی اقتصادی می‌کرد، رسول خدا (ص) حکم به مجازات او داد، گروههای فشار فعال شدند تا از مجازات او جلوگیری کنند (دلشاد تهرانی، 1392: 531). هر مجازاتی باید با تمام ملاحظات حقوقی و انسانی صورت گیرد و چنانچه این ملاحظات انجام نشود، مجازات تبعات منفی خواهد داشت. از این رو امام (ع) تأکید می‌کند که این کار بدون گزافه‌کاری باید صورت گیرد: «افراط در سرزنش کردن، میزان لجاجت را افزونتر می‌کند» (خوانساری، 1360: 43/2).

7- اصلاح الگوی مصرف

اصلاح الگوی مصرف در حوزه کلان و توسط مردم جامعه اسلامی از جمله اموری است که باید در رأس برنامه‌های اقتصادی قرار گیرد. با کمی دقت در نوع هزینه‌های جاری جامعه و حتی هزینه‌های عمومی مردم متوجه می‌شویم بسیاری از دولتها و مردم عادی از الگوی مصرف صحیح و مورد تأیید آموزه‌های دینی هستند و فاصله فراوانی با آن دارند. مصرف گرایی، اسراف و زیاده‌روی‌های نامناسب، هدر دادن منابع و درآمدها در مسیر غلط اقتصادی همه و همه تیشه به ریشه اقتصاد می‌زند؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «از اسراف بپرهیز، و میانه‌روی را برگزین، از امروز به فکر فردا باش و از اموال دنیا به اندازه کفاف خویش نگهدار و زیادی را برای روز نیازمندیت در آخرت پیش فرست» (نهج البلاغه، نامه 21).

8- زهد و قناعت

یکی از راههای توسعه اقتصادی در جامعه، ترویج روحیه کار و تولید از یکسو و گسترش فرهنگ ساده‌زیستی، قناعت از سوی دیگر و پرهیز دادن از گسترش روحیه تجمل‌گرایی و مصرف بیش از اندازه در جامعه و به‌خصوص ولخرجی و اسراف و تبذیر در میان مسئولان است (افتخاریان و بابایی، 1397: 96). در این خصوص فرمایشات امام علی (ع) در نهج البلاغه، منشوری جاودانه برای زهد، قناعت و ساده‌زیستی آحاد مردم و مسئولان است. حضرت (ع) در تعریف زهد می‌فرماید: «همه زهد در دو کلمه از قرآن کریم فراهم است. خدای سبحان می‌فرماید: «تا بر آنچه از دستتان رفته دریغ نخورید و بدانچه به شما رسیده شادمان مباشید» و آنکه بر گذشته دریغ نخورد و به آینده شادمان نباشد از دو سو زهد ورزیده است» (خوانساری، 1360: 15 / 325). همچنین می‌فرماید: «القناعة مالٌ لا ينفد؛ قناعت مالی است که هرگز تمام نمی‌شود» (نهج البلاغه، حکمت 57).

یکی از بهترین الگوها و ابزارهای اقتصاد مقاومتی قناعت است. قناعت آثار مهم و بارزشی همچون بی‌نیازی، استقلال، سربلندی، خودباوری و خلاقیت را در اجرا و پیاده‌سازی درست برنامه‌های اقتصادی در معنای واقعی به‌دنبال خواهد داشت و هر یک از این امور سبب مقاومت در برابر فشارها و معضلات اقتصادی، تحریم‌ها و سیاستهای ظالمانه دشمنان خواهد بود.

9- نظارت و کنترل بر بازار و امر تجارت

در حکومت حضرت علی (ع)، بازرگانی و تجارت و داد و ستد در بازار به عنوان عوامل فعالیت اقتصادی مورد توجه بود و امام (ع) ضمن نظارت بر کار ایشان و کنترل منافع و درآمدشان، رسیدگی به وضعیت آنها و ایجاد راههای کسب مشروع را به تمامی کارگزاران خود مورد تأکید قرار داده بود. ایشان به کار و تلاش اقتصادی و فعالیت‌های تولیدی و تجاری در راستای موازین شریعت، برای رفاه عموم و ازدیاد ثروت مسلمانان، اهمیت بسیار می‌داد و در این رابطه به استانداردهای خود می‌نوید: «سفارش مرا در حق بازرگانان و پیشه‌وران بپذیر و درباره آنها به کارگزارانت نیکو سفارش کن. خواه آنها که بر یک جای مقیم‌اند و خواه آنها که با سرمایه خویش این‌سو و آن‌سو سفر می‌کنند و با دسترنج خود زندگانی

بیابند؛ زیرا این گروه، خود مایه منافع‌اند و اسباب رفاه و آسودگی و بدست‌آوردگان آن از راههای دشوار و دور و خشکی و دریا و دشتهای و کوهساران و جاهایی که مردم در آن جاها گرد نیابند و جرأت رفتن به آنجا نمایند» (همان، نامه 53).

حضرت (ع) بازرگانان را به سه دسته بازرگانان ثابت و مقیم، بازرگانان متحرک که در شهرها واسطه‌گری می‌کنند و بازرگانانی که با دسترنج خود کار می‌کنند تقسیم می‌کرد (همانجا). روش حضرت (ع) و دستورها و فرمانهای ایشان در این خصوص، بیانگر اهمیتی است که تجارت در رشد و شکوفایی اقتصاد می‌تواند داشته باشد؛ زیرا تجارت علاوه بر رونق بازار، ایجاد کار می‌کند و کار مانع از فقر و نیازمندی می‌شود. امام علی (ع) علاوه بر سفارش به امور بازرگانی، نظارت دقیق بر بازار و فعالیتهای تجاری را از وظایف حکومت اسلامی می‌دانست و به آن تأکید داشت؛ چراکه این کنترل موجب می‌شود وضعیت بازار دستاویز عده‌ای سودجو و منفعت‌طلب نگردد، زیرا گروهی از بازرگانان و تجار، تنها به فکر سود خویش و تراکم و انباشت ثروت خود هستند، اگرچه این عمل منجر به فقر و بیچارگی دیگران شود (معینی‌نیا، 1385: 128).

نتیجه‌گیری

الگوی اقتصادی دوران کوتاه حکومت امام علی (ع) مصداق جامع و الگویی ماندگاری از نظام اقتصادی اسلام است که با ایجاد اصلاحات اقتصادی در سطوح وسیع، تغییر و تحولات عظیمی را در جامعه پدید آورد. اهتمام و تلاش امام (ع) به رشد و توسعه اقتصادی جامعه و توجه به نظارت دقیق بر طرق کسب مال و افزایش درآمدهای عمومی و همچنین فرمانها و دستورات پیاپی ایشان به کارگزاران ولایات در امر آبادانی اراضی برای تولید بیشتر و بهبود وضعیت عمومی جامعه، این ادعا را ثابت می‌کند که اسلام در تنظیم شئون حیاتی انسان صرفاً به پند و اندرز و نصیحت قناعت نرزیده است؛ زیرا اسلام در تمامی ابعاد و جوانب زندگی فردی و اجتماعی بشر از جمله قلمرو اقتصادی، جدی‌ترین قوانین فقهی و حقوقی را وضع نموده و دستورات عمل‌های اجرایی گذاشته و ممنوعیت‌هایی را قائل شده است.

به طور کلی براساس رهنمودهای امام علی (ع)، دو دسته راهبردهای فردی و اجتماعی که هر کدام مصادیق و مولفه‌های متعددی را شامل می‌شوند، در تحقق اقتصاد مقاومتی نقش‌آفرین و موثرند. راهبردهای فردی شامل اصلاح الگوی مصرف، زهد و قناعت، کار و تلاش اقتصادی، میانه‌روی و اعتدال و ارتقاء کیفیت تولیدات و محصولات می‌باشد. مهمترین راهبردهای اجتماعی در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی از منظر *نهج البلاغه* نیز مواردی همچون رعایت حقوق فعالان اقتصادی، نظارت و برنامه‌ریزی اقتصادی، تأمین امنیت اقتصادی، تأمین استقلال اقتصادی، تأمین نظام بیمه و بازنشستگی، اصلاح نظام مالیاتی، اهمیت دادن به بخشهای تجارت، صنعت و کشاورزی، مبارزه با فساد و مفسدان اقتصادی، استفاده از مدیران لایق و کارآمد، تدبیر صحیح، دوراندیشی و آینده‌نگری، توجه به علم و اقتصاد دانش‌بنیان، اقتدار حاکمیتی، فقرزدایی، ایجاد مساوات، تأمین عدالت اجتماعی و اقتصادی و تأمین رفاه اقتصادی می‌باشند که در نوشتار حاضر به اهم آنها اشاره شد.

با توجه به اینکه راهبردهای فردی و اجتماعی ذکر شده همگی دارای مبانی نظری در علم اقتصاد هستند و از سوی دیگر دارای پشتوانه دینی و فقهی می‌باشند، پیشنهاد می‌شود مدیران و کارگزاران حکومتی در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خود از آنها بهره برده و در عملیاتی نمودنشان در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی تلاش نمایند.

فهرست منابع

1. *نهج البلاغه*.
2. ابن ابی الحدید، ترجمه و شرح *نهج البلاغه*، تلخیص و ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران: مدبر، ج 20، 1393.
3. افتخاریان، حسین؛ بابایی، محمد، *طرح قرآنی صراط با رویکرد سبک زندگی اسلامی*، تهران: دار القرآن بسیج، 1397.
4. افشار، اسدالله، فرهنگ، توسعه، عدالت و جهاد اقتصادی، تهران: الماس دانش، 1390.
5. آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه و شرح سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: فرهنگ اسلامی، 1378.

6. بیهقی نیشابوری کیدری، قطب الدین ابوالحسن محمد، دیوان امام علی (ع)، تصحیح و ترجمه و مقدمه و ابوالقاسم امامی، تهران: اسوه، 1373.
7. جعفری، سید محمد مهدی، پرتوی از نهج البلاغه، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1381.
8. خوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، مقدمه، تصحیح و تعلیق جلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران، 1360.
9. دلشاد تهرانی، مصطفی، دلالت دولت، آیین نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر، تهران: دریا، 1392.
10. -----، مزرع مهر؛ موانع و مقتضیات تربیت در نهج البلاغه، تهران: دریا، 1379.
11. -----، رخساره خورشید: سیره امام علی (ع) در نهج البلاغه، ویراستار حسن رفعتی، تهران: دریا، 1394.
12. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی (ع)، ج 7 (اقتصاد)، قم: دانشگاه مفید، 1385.
13. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، تحقیق حسن المصطفوی، تهران: مرکز نشر کتاب (1382).
14. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1388.
15. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعه العلوم الاثمه الاطهار، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، 1403 ق.
16. محمدی صیفار، مهدی، اندیشه و روش اصلاح جامعه از دیدگاه امام علی (ع)، تهران: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1393.
17. معینی نیا، مریم، سیره اداری امام علی (ع) در دوران خلافت، تهران: امیرکبیر، 1385.
18. یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران: علمی و فرهنگی، ج 2، 1389.